

درس اوّل:

نقشه نوشتن

- این شهر خوش نقش و
- این نقشه را از دست یار من دریغ
- چونکه یار من یار من یار من
- در طول سفر ایستگاهها را
- مسوول این شهر هموار است
- اگر در این شهر هموار است
- سفر نوشتن را از دست یار من
- سفر نوشتن را از دست یار من
- به خاطر شما سفر نوشتن

- این نقشه را از دست یار من
- این نقشه را از دست یار من
- در طول سفر ایستگاهها را
- مسوول این شهر هموار است
- اگر در این شهر هموار است
- سفر نوشتن را از دست یار من
- سفر نوشتن را از دست یار من
- به خاطر شما سفر نوشتن
- مسوول این شهر هموار است
- اگر در این شهر هموار است
- سفر نوشتن را از دست یار من
- سفر نوشتن را از دست یار من
- به خاطر شما سفر نوشتن

نقشه نوشتن

با ورود معلم به کلاس، شور و نشاط دانش‌آموزان، بیشتر شد. معلم خوش‌فکر، درس را آغاز کرد و گفت: می‌دانم که شما نوشتن را از همان سال‌های آغازین دبستان، آموخته‌اید اما از امسال، چگونه نوشتن را به‌طور روشمند، خواهید آموخت. اکنون، اجازه بدهید با یک مثال، کمی بیشتر توضیح دهم.

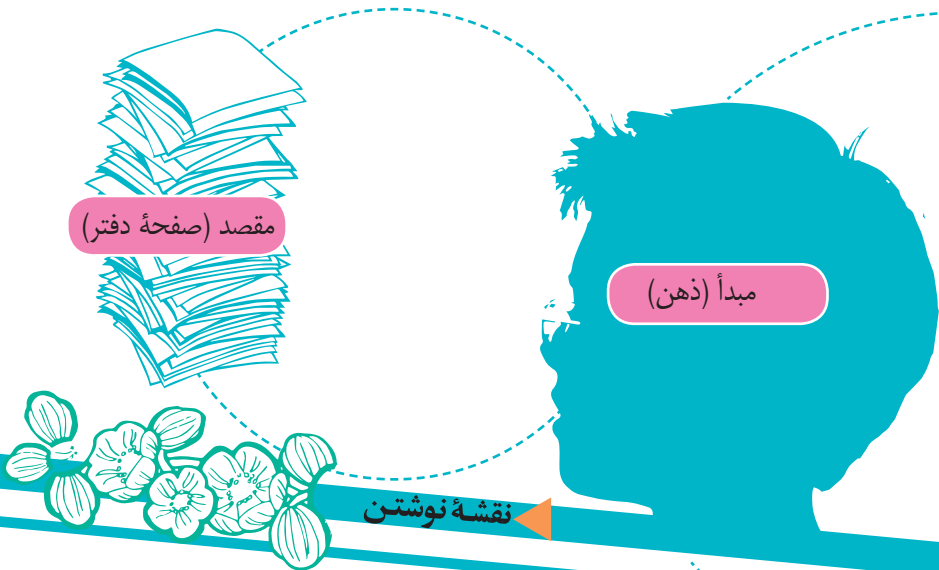
عزیزانم، نویسندگی شبیه یک سفر است؛ یک سفر واقعی و گاه خیالی؛ یک سفر خاطره‌انگیز و پرمایه. در سفر نویسندگی، من و شما همراهانی هستیم که می‌خواهیم به شهری بسیار زیبا، پر نقش و نگار و دلفریب، رهسپار شویم. پیش از سفر، لازم است هم من و هم شما به پرسش‌هایی فکر کنیم و به آنها پاسخ دهیم:

- این شهر خوش‌نقش و نگار، کجاست؟
- آیا نقشه‌ای از آن در دست یا در ذهن داریم؟
- چگونه و با چه وسیله‌ای باید به سوی آن برویم؟

- در طول سفر، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد؟
- مسیر این شهر، هموار است یا از سرِ گردنه‌ها و از دل دره‌ها می‌گذرد؟

اگر دربارهٔ این پرسش‌ها بیندیشیم و نقشهٔ راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم، آن‌گاه، می‌توانیم سفر نوشتن را آغاز کنیم؛ بی‌آنکه نگرانی و هراسی داشته باشیم.

به نظر شما، در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز و پایان کجاست؟ معمولاً تصور می‌شود که نوشتن بانگارش کلمات بر روی صفحهٔ کاغذ شروع می‌شود؛ در حالی که هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنهٔ کاغذ، در ذهن نویسنده، طبقه‌بندی و نوشته می‌شود. هر قدر این فرایند (بانگارش و طبقه‌بندی ذهنی) کامل‌تر باشد، نوشتهٔ ما چشمگیرتر خواهد بود؛ بنابراین در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان سفر «صفحهٔ دفتر» شماست.



اکنون باید مسیر ذهن تا صفحهٔ دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم آنچه در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحهٔ دفتر بیاوریم.

طبقه‌بندی ذهن، گام اول در تهیهٔ نقشهٔ سفر نوشتن است؛ این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشتهٔ ما را نشان می‌دهد. در نمایهٔ زیر، **مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتن** را می‌بینیم:

موضوع

بخش آغازین

بخش میانی

بخش پایانی

شکل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتن می‌کند، برای خودش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه این طبقه‌بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتن متنی دقیق و منسجم است. متن‌های دقیق و منسجم، خوانندگان را سردرگم نمی‌کنند.

یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشته، طراحی **ساختمان نوشته** است. شکل زیر، **ساختمان ساده و طبقه‌بندی اولیه ذهن و نوشته** را نشان می‌دهد.

The template is designed to help organize thoughts and writing into a structured format. It consists of four main sections, each with a specific color and a label on the right side:

- موضوع (Topic):** A green rectangular box at the top, decorated with a floral border on its left side.
- بخش آغازین (Beginning Section):** A blue rectangular box below the topic section, with a label on its right side.
- بخش میانی (Middle Section):** An orange rectangular box below the beginning section, with a label on its right side. This section is further divided into three sub-sections on the right:
 - بند اول (First Paragraph):** The top part of the orange box.
 - بند دوم (Second Paragraph):** The middle part of the orange box.
 - بند سوم (Third Paragraph):** The bottom part of the orange box.
- بخش پایانی (Ending Section):** A yellow rectangular box at the bottom, decorated with a floral border on its left side.

On the left side of the template, there is a vertical column of ten diamond shapes, each with a small number inside, ranging from 1 to 10.

اکنون نوشته زیر را با هم بخوانیم و به نقشه ذهنی و ساختمان نوشته، توجه کنیم:



موضوع

دل، آشیانه محبت

بخش آغازین

هر چیزی، مرکزی دارد. قلب و مرکز بدن ما انسان‌ها **دل** است که مخزن و گنجینه وجود به شمار می‌آید. این گنجینه، نیاز به مراقبت دارد.

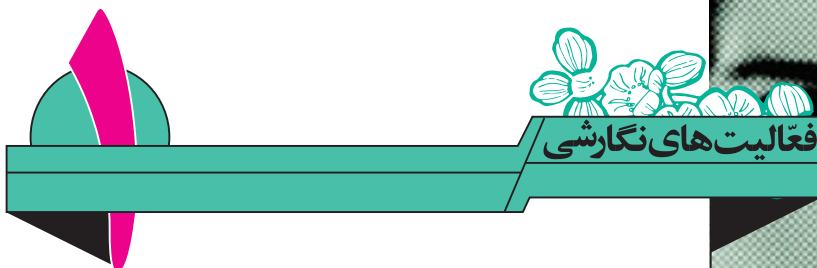
بخش میانی

اگر راستش را بخواهید دلم خالی از زشتی‌ها، پاک و سفید است. من در فضای دلم هیچ جست‌وجوگری ندارم که همه حرف‌ها را برایم بیابد و به من نشان دهد؛ اما در دلم توان و نیرویی بسیار فعال است و دوست و دشمن، راستی و دروغ و خوبی و بدی را فوراً شناسایی می‌کند و به هر کس اجازه ورود نمی‌دهد. به همین سبب، در دلم جز خوبی‌ها چیزی نیست. در دلم به روی دوستان، همیشه باز است تا آزادانه بیایند و بروند و هر روز به تعداد دوستانم افزوده شود. تلاش می‌کنم تا دوستان را نرنجانم. از کسانی که با لطف و محبت می‌خواهند دلشان را پاک و بی‌کینه و زیبا نشان بدهند، خوشم می‌آید؛ چون آنها آدم‌های مهربانی هستند؛ هم خود را و هم دیگران را دوست می‌دارند. این، کار بسیار خوبی است.

بخش پایانی

دل، اصلی‌ترین بخش خانه وجود ماست. همه ارزش دل‌ها به سادگی و پاکی آنهاست. شادابی و سرزندگی یک کشور هم به جوانانی وابسته است که دلی پاک و بی‌کینه، اما استوار و بی‌باک دارند. پس دلمان را سرشار از نور ایمان و لبالب از حضور دوستان کنیم.





فعالیت‌های نگارشی

◆ نوشته زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند با دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما بپرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما با کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و با دیگران سخن بگوییم. ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست تکان می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبصرِ کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم، پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

◆ پاییز ◆ حیات مدرسه ◆ روزی را که دوست دارم، تکرار شود

موضوع:



♦♦♦ یکی از انشاهای عضو گروه خود را انتخاب و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنگه‌های ارزیابی :

- ♦ داشتن پیش‌نویس (داشتن نگاشتِ اوّل)؛
- ♦ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)؛
- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی)؛
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصّه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصّش گرفت.

جملهٔ الف، درست است. در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست؛ مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

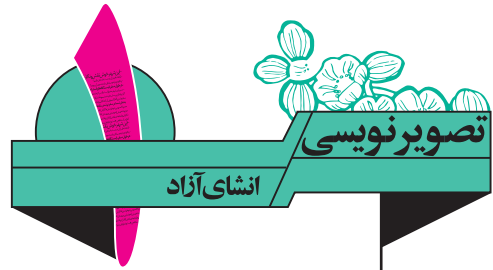
♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

.....

♦ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگران بشی.

.....



◆ آنچه در تصویر زیر می‌بینید؛ بنویسید.



Blank writing area with horizontal lines.



آیا خواننده نوشته شما بدون اینکه تصویر را ببیند، می‌تواند تنها با خواندن نوشته شما تصویری از آن داشته باشد؟